

خط امام

از استاد سید علی خامنه‌ای

تالار رازی دمراسم وحدت دانشجو و روحانی ۵۸۱۷۸۰

با نشریات حزب جمهوری اسلامی آشنا شوید

- ۱- وحدت و تحزب از استاد سید علی خامنه‌ای
- ۲- درست فهمیدن اسلام " "
- ۳- مبرم ترین وظایف دانشجویان در مرحله کنونی انقلاب " "
- ۴- شهیدی آغازگر " "
- ۵- گفتاری در باره جمهوری اسلامی از: استاد شهید آیة الله مطهری
- ۶- انضباط در ارتش از: استاد ابوالحسن بنی‌صدر
- ۷- آزادی و استبداد " "
- ۸- خود سازی از: استاد دکتر محمدجواد باهنر
- ۹- نگرشی کوتاه بر اصل ولایت فقیه " "
- ۱۰- گفتاری کوتاه در باره وقایع ۲۸ مرداد ۳۲ " "
- ۱۱- شناخت ضد انقلاب " "
- ۱۲- انقلاب و ضد انقلاب از: استاد جلال الدین فارسی
- ۱۳- تکامل انقلاب اسلامی ایران از: " " "
- ۱۴- ارتش توحیدی " " "
- ۱۵- دولت بی باس و دولت با باس " " "
- ۱۶- آینده انقلاب از دیدگاه " "

بهار ۱۵ ریال

۱۳۵۸/۱۱/۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم

بدنبال دعوت فقیه بزرگ و عالم مجاهد حضرت آیت
الله العظمی منتظری، از همی قشرها و مخصوصاً "از دانشجویان
و طلاب (به عنوان دو بازوی نیرومند و فداکار انقلاب) به
تشکیل سمینار هائی بمنظور ایجاد وحدت، ابتدا در تهران
و قم و سپس در شهرهای بزرگ دانشگاهی، مراسم و سمینار هائی
در جهت تحقق هدف مزبور بر پا گردید. نماز هائی بمنظور
" وحدت " بجماعت برگزار شد و سخنرانیها و گفتگوهای
مفید و سازنده ای انجام گرفت، در مشهد نیز در مراسم
بزرگداشت دومین سال شهادت حجت الاسلام حاج آقا مصطفی
خمینی فرزند برومند امام خمینی، مجالس با شکوهی در
سرتاسر این شهر بر پا بود. دانشگاه مشهد در این روز، برگزار
کننده ی مراسم با شکوه بود که با سخنرانی استاد سید علی
خامنه ای پایان پذیرفت در این گرد همائی در حدود ۲۰۰۰
نفر از طلاب حوزه علمیه مشهد بعنوان تحکیم وحدت خود
با دانشجویان و دانشگاہیان، شرکت کرده بودند. جلسه
در تالار رازی و صحن دانشکده پزشکی با شرکت چندین
هزار زن و مرد تشکیل گردیده بود.

بسم الله الرحمن الرحيم

همانطوری که برادر بزرگوارمان اشاره کردند امروز یکی از خاطره انگیزترین روزهای تاریخ ماست، آن روزی که این ملت از سر صبر و با دل فارغ بنشیند و خط منور این مبارزه را از آغاز، پیگیری و تعقیب کند و نقاط برجسته آن را یکی یکی مورد ملاحظه قرار بدهد امروز را که روز هجرت بزرگ هست از جمله حادثه سازترین، و تعیین کننده ترین روزهای این تاریخ خواهد یافت در طول این جنبش از سال ۴۲ که مبارزه کنونی ما البته بر پایه، مبارزات گذشته اما در هویت و در ویژگیها مبارزه ای خاص و مستقل آغاز شد جابجا به حوادثی برخورد میکنیم که در آن حوادث دست قدرتمند اراده ای انسان والا را و تاثیر قاطع و سازنده ای این اراده را بوضوح مشاهده میکنیم، آن روزی که جنبش از مرکزی که انتظار آن نمی رفت از کانون گرم علمی قم و با پیشگامی و پیشقراولی مردانی که جز در چهره علمی و منش تحقیقی شناخته نشده بودند و با دست اندر کاری و صحنه گردانی امتی و ملتی که سالها غبار سکوت و رکود بر روی آتش گداخته هیجانهایش کشیده شده بود، آغاز شد.

مردمی که برآستی این مبارزه را به شکل یک خط جنبش انقلابی قبول داشتند بسیار کم بودند بعد از آن هم هر چه این مبارزه پیش رفت، هر چه بر اوراق این پرونده زرین افزوده شد باز آن رسوبات فکری و ذهنی که بر جو ذهنی جامعه‌ی ما حکم فرما بود کمتر اجازه میداد که طبقه اندیشمند امت ما و ملت ما احساس کنند و لمس کند و قبول کند که این خط یک جنبش انقلابی است. بهمین دلیل طبقه‌ای که بحق یا ناحق نام روشنفکر بر خود نهاده بود جدی به این مبارزه نگاه نمی‌کرد، ناباورانه این مبارزه را تلقی میکرد مبارزه بطور عمده مال قشرهای متوسط و پائین ملت بود و مال جوانان دانشجو، و مال طلاب جوان و مال برگزیدگان از روحانیون بود. روشنفکر جماعت در طول این ۱۶ سال حاضر نشد تا این مبارزه را یک جنبش انقلابی بشناسد.

فقط آن روزی که چشمهای نگران و کاوشگر روشنگران و روشن بینان جهانی این قضاوت را نسبت به این مبارزه انجام داد در روشنفکر بومی و سنتی ما هم طبق روال معلولش که همه چیزش را از بیگانه می‌خواست و می‌جست، این را یک جنبش انقلابی دانست.

اما مبارزه ملت ایران برهبری آن ابر مرد، این خط ممتد را در میان نگاه ناباورانه روشنفکران جامعه و بانگ بر

توده‌ی عظیم این مردم پیمود. آن روزی که این مبارزه اوج گرفته بود بسیاری دیگر هم بودند که مبارزه را جدی نمی‌گرفتند امام ما و رهبر ما ملت ایران روزی را در این مبارزه و در صحنه‌ی جهانی آن گذرانید که گروههای مختلفی که برای خود حق نظر و حق رای قائل بودند باتفاق کلمه این مبارزه را رد میکردند و تز امام را جدی نمی‌گرفتند.

تز امام مبارزه سیاسی بر علیه عظیمترین قدرتهای جهانی یعنی قدرت امپریالیسم آمریکا و مستحکمترین دژهای نگهبان آن در منطقه یعنی دژاین سلطنت پلید و این رژیم نامردمی بوسیله تماس مستقیم با توده‌ی مردم بود. این تز در ایران بطور بی سابقه انجام گرفت و در تاریخ مبارزات جهان هم در دهه‌های اخیر کم نظیر بود. امام و رهبر امت با فاصله‌ی یک حزب و تشکیلات حتی با مردم خود سخن نگفت. رویا روی، مبارزه‌ی سیاسی علیه عظیمترین قدرتها با پشتیبانی خیل عظیم مردم، این تز امام بود. و این همان بود که تمام گروههایی که حق نظر برای خود قائل بودند آنرا رد میکردند. و این همان بود که بالاخره پیروز شد. عده‌ای این تز را رد میکردند با این بهانه و عنوان، با این زبان که مبارزه بدون توسل به نیروی نظامی امکان پذیر نیست. عده‌ای این مبارزه را رد میکردند که مبارزه در شرائط کنونی امکان

پذیر نیست. آن دو در نقطه مقابل بود و شگفتا که هر دوبا
تزام مخالف بودند.

اما امام مراحل این مبارزه را قدم بقدم پیمود و تاکتیکهای
او همه از یک اصل، یک شیوه، یک نوع اصول، یک روال در
طول این مدت پیروی کرد. تاکتیک‌هایی که نشان می‌داد که
در ورای آن یک نقشه کلی و یک طرح کلی، یک استراتژی
مستحکم وجود دارد. نه تاکتیکهای زمانی و روز بروز بدست
آمده و اندیشیده و اینان حاضر نبودند این را قبول کنند،
حاضر نبودند الگوهای ذهنی را از ذهن خود خارج کنند
حاضر نبودند احساس کنند که مردی از میان ملت میتواند
راهی تازه باز کند، تزی جدید به دنیا ارائه بدهد، رسوبات
ذهنی نمی‌گذاشت و هر دو گروه دچار این بلیه و بیماری عظیم
بودند.

آنهايي که تز مبارزه نظامی را تعقیب میکردند الگوهای
بیرون از این مرز را می‌دیدند، فکر می‌کردند که چون در فلان
نقطه و فلان نقطه‌ی عالم، ملتها و خلقهای محروم و مستضعف
با سلاح جنگیدند، ما هم اگر با سلاح نجنگیم نمیشود. و
چون بنا بر فلان قانون ظاهرا "علمی از مبارزه‌ی نظامی
ضرورت پیدا میکند که تخلف از این قانون امکان پذیر نیست.
و آن کسانی که معتقد بودند مبارزه ممکن نیست و مفید

نیست به گذشته‌ی زندگی خود و تاریخ کوتاه خود نگاه می‌کردند
ناکامی‌ها را می‌دیدند علت‌هایش را نمی‌سنجیدند. اما ملت
ایران و رهبر این امت راه خود را شناختند، مبارزه را قدم
بقدم پیش بردند و بالاخره در مقابل چشم حیرت زده همه
مردم جهان به پیروزی رساندند و شما خواهر و برادر، حق
داریم عظمت این پیروزی را امروز لمس نکنیم، این را تاریخ
خواهد فهمید. و امروز پیش از آنکه نوبت بتاریخ برسد و ما
در اسطوره‌ها جا بگیریم مردمی که دور از ما زندگی میکنند،
این عظمت را با تمام وجود خود لمس میکنند، آنکسانی که
پیام دوستی و آشتی ملت‌های محروم را از جهان مستضعف
عقب افتاده در طول چندین ماه برای برادران ایرانی خود
آوردند، از عمق انعکاس این انقلاب در بیرون حرف‌ها گفتند.
معادلات جهانی، همه معادلات دیپلماسی با این انقلاب به
هم ریخت و امروز من و شما، ما ملت ایران باید منتظر عکس
العمل‌خشن و بسیار بیرحمانه و قساوت‌آمیز این بهم ریختگی
معادلات باشیم. امروز باید منتظر ضربات باشیم، امروز باید
پذیریم، قبول کنیم، باور کنیم که دولت‌های سلطه جوی غربی
بفکر آنند که سیاست این انقلاب را و این ملت را در یک
انزوای عظیم قرار بدهند، ما امروز باید منتظر آن باشیم که
جلادان و جهان‌خواران و سلطه جویان، این سگهای ولگردی

کما از اطراف این سفره گسترده‌ی بی صاحب بکنار رانده شده‌اند در فکر ضربات انتقامی باشند. ما امروز باید منتظر عکس العمل دشمنهائی باشیم که از این دندان کینه و بغض این انقلاب ورهبر انقلاب و این ملت را در جان خود و دل خود می‌پرورند. و این بخاطر این است که این مبارزه، همه معادلات سیاسی جهانی را بهم ریخت، پس این مبارزه یک جنبش انقلابی بود یک حرکت عظیم بود، بی سابقه بود و در تاریخ مبارزات ملت ایران و در تاریخ مبارزات همه‌ی ملت‌های مستضعف، یک نقطه‌ی روشن و مثبت بود. قابل مقایسه با همه جنبشهای عظیمی بود که دگرگونی‌ها و تحولات بنیادین را در زندگی اجتماعی بشر بوجود آوردند. این وضع مبارزه ما بود و امام ما و رهبر ما، قدم بقدم، مرحله بمرحله، تاکتیک‌های متناسب را برای پیشبرد این مبارزه بکار گرفت. و امروز روز تجدید خاطره‌ی یکی از روشنترین این مراحل و این تاکتیک‌هاست. همه باخشم شنیدید که دولت بعثی عراق از حضور امام در آن کشور ابراز نگرانی کرده و همه با حیرت شنیدید که امام در یک لحظه تصمیم گرفته‌است از عراق خارج شده و بسوی مرز کویت با یاران و دوستان و ملازمانش حرکت کرده است و همه با شگفتی و با خشم شنیدید که این مرز، پیرو چند ساعت مذاکرات استثنائاً، میان سران و تصمیم گیرندگان دولت کویت

بر روی امام بسته شده و امام برگشته و ناگهان همه شنیدید که مرجع تقلید، عالم روحانی، بزرگ رهبر مبارزات ملت ایران در یک لحظه تصمیم گرفته است به پاریس برود اینها آن لحظات نفس‌گیر مبارزه‌ی ما بود. اینها همان لحظاتی بود که مبارزه ما را در تاریخ ثابت کرد، کلماتی که مانند جویبارهای خروشان، انگیزه و اراده و تصمیم قاطع از حنجره رسای امام بیرون می‌آمد و در سراسر جهان پخش می‌شد ابعاد، گوناگون مبارزه ما را رسم میکرد.

"از فرودگاهی بفرودگاهی خواهم رفت و پیام خود را بجهان خواهم رساند" عظمت و شکوه این جنبش را در این کلمات مردم جهان احساس کردند و مبارزه ادامه پیدا کرد و تاریخچه این مبارزه در زمان و نسل ما نه ترسیم کردنی است و نه درست دریافتنی، این مال نسلهای آینده است این امتیاز هم مال آیندگان از این امت است که بنشینند این مبارزه را یک جا مطالعه کنند. از تجربه‌ی اندوخته‌ی من و شما، از خاطرات ما که ای بسا برای برخی آنها ارجی هم فائل نشدیم، سرگذشت قهرمانی یک ملت را بخوانند و بدانند و درک کنند، این مربوط بخاطره عظیم امروز.

و اما بدور از خاطره من و شما برادر و خواهر مسلمان هم اکنون در یک لحظه‌ی خاطره انگیز هستیم امروز هم مثل

روزی که امام هجرت کرد و مثل صدها روز خاطره انگیز دیگر برای آینده‌ی این کشور، خاطره انگیز و درس آموز است شاید آن کسانی که در آن لحظه حساس در کنار امام بودند در لب مرز کویت یادآور آن لحظه‌ای که امام از عراق حرکت میکرد و یاد آن لحظه‌ای که امام در فرودگاه پاریس فرود آمدنی - دانستند که این ثانیه‌ها، این دقیقه‌ها، این لحظه‌ها چه نقشی را در ترسیم تاریخ دارد؟ امروز اندکی همانها می‌فهمند و شاید من و شما ندانیم که این جلسه‌ی ما، این زمان ما این لحظه‌ی حساس ما در آینده‌ی تاریخ ما چقدر اهمیت و عظمت خواهد داشت و چقدر تعیین کننده خواهد بود. ما امروز هم مانند دیروز و مانند سال گذشته و مانند بهمن ۵۷ در لحظات حساس تاریخ و تاریخ ساز هستیم، آیا این را درک میکنیم؟ اگر این را درک نکنیم رسالت ما بسیار سنگین است. اگر این را درک نکنیم هر حرکت ما، هر حرکت کوچک ما حسابی خواهد داشت. این را بدانیم که هر حرکت کوچک تک تک ما امروز در آینده‌ی مبارزه‌ی ما یک دست رقم زن خواهد بود، رقم زن سر نوشت.

امروز روزی نیست که ما به این لحظات بسیار پر اهمیت و تعیین کننده بی اعتنا باشیم زیرا که ما هنوز در نیمه‌ی راهیم، زیرا که ما هنوز باید مبارزه کنیم زیرا که ما هنوز در

مقابل دشمنها و دشمنیها قرار داریم. دشمنیها و زیرا که ما هنوز بمقصد خود نرسیدیم مقصود ما فقط این نبود که سلطه‌ی سیاسی از سر ما برداشته شود این یکی از مقاصد ملت ما بود، این یکی از هدفهای مبارزه‌ی ما بود، از میان برداشتن و برطرف کردن دست سلطه‌ی سیاسی، قطع کردن سلطه‌ی اقتصادی و قطع کردن سلطه‌ی فرهنگی هم هست.

ملت ما کی میتواند احساس کند که مبارزه‌ی او پایان یافته؟ آن وقتی که این مراحل را تمام و کمال پشت سر بگذارد. مادامی که ما همچنان وابستگیهای اقتصادی بسیار سخت داریم مادامی که ما فرهنگ وابسته‌ی استعماری داریم، مادامیکه ما همچنان در کوره‌ی اخلاق سوزنده و گدازنده‌ی استعماری داریم می‌کدازیم، مادامیکه در جوی اسلامی و در جامعه‌ی اسلامی و توحیدی زندگی نمی‌کنیم، باید مبارزه کنیم. و چون باید مبارزه کنیم پس باید خوی و خصلت مبارزه را در خود حفظ کنیم و در خود رشد بدهیم و خصلتهای ضد مبارزه را برداریم و ریشه کن کنیم. و این است خط امام و این است همان خطی که گفتیم از سال ۱۳۴۲ شروع شد و بعضی ساده لوحان پنداشتند که در سال ۱۳۵۷ تمام شده، این همان خط است و ادامه دارد.

امروز مسئله‌ی خط امام یک مسئله است، برادران و خواهران دانشجوی حکم خصلت‌ها و خصوصیات اخلاقی ویژه‌ای که در محیط دانشگاه و محیط دانشجویی هست بیشتر نیاز دارند که به این مسئله بیندیشند. این خط امام بود که مورد انکار گروه‌هایی قرار میگرفت. امروز هم خط امام است که راه نجات و رستگاری ملت ماست. اما تفاوتی که با گذشته کرده این است که در گذشته گروه‌های مختلفی بروشنی و براحتی و با جرات و گستاخی، این خط را رد میکردند. اما امروز پیدایش جریان سیاسی نفاق، موجب آن میشود که گروه‌های مخالف، آنرا صریحا "و قاطعا" رد نکنند، بلکه بگویند ما در خط امامیم. حتی کسانی را دیدیم و شناختیم که ایدئولوژی امام را قبول نداشتند، جهان بینی اسلام را قبول نداشتند، ایدئولوژی اسلامی را قبول نداشتند، ولی خود را در خط امام می‌دانستند. گروه‌ها همه مدعی خط امام اند. و ما لازم است این خط را تعقیب کنیم. و ما لازم است اگر خونی در رگ ما هست و اگر نبض ما به غیرت مسلمانی و انسانی میزند جانمان را در این خط بدهیم و ما لازم است مبارزه‌مان را ادامه بدهیم. اما مقدم تر از همه این است که این خط را بشناسیم.

امام بحمد الله زنده است و بحمد الله گوینده است

و نویسنده است و بحمد الله در دل توده‌ها و دل مردم است، برج عاج را نمیشناسد، قفل و بند و زنجیر را نمیشناسد، از ملت خود جدا نمیشود، و با آنها در هر فرصتی و موقعیتی حرف میزند. اینها سند ماست، سند غیر قابل توجیه و تاویل، برگردیم به این سند محکم.

آن کسانی که در گذشته این خط را تخطئه کردند امروز حق ندارند در مقابل یک ملت بایستند. حق ندارند، نه اینکه حق قانونی ندارند، بلکه از لحاظ انصاف انسانی در پشت یک تریبون غیر رسمی، من روحانی و شمای دانشجویم آواز وهم صدا معتقدیم اینها حق ندارند خود را صحنه‌گردان و صحنه‌ساز مبارزات و آینده‌ی این مبارزات بدانند زیرا یکبار اشتباه کردند (صحیح است حضار) زیرا همان خطی که آنرا باور نمی‌کردند ادامه یافت و به پیروزی ئی که آنها خوابش را هم نمی‌دیدند رسید همان خطی که از میان این همه مانع عبور کرد و ناکامی‌های گذشته را از خاطره‌ی این امت زدود، و پیراهن سیاه و غم مرگ سید جمال الدین و کوچک خان و مدرس و مصدق را از پیکر این ملت خارج کرد، و گرد و غبار عزای این عزیزان و ستارگان درخشان را از پیشانی این ملت سترد. و خواب دوهزار و پانصد سال ضدیت و نفرت با سلطنت و آرزوی پیروزی بر رژیم‌های طاغوتی را تعبیر کرد. خطی

که این همه هنر کرد باز هم حق دارد خود را رقم زن آینده‌ی این مبارزه بداند (صحیح است حصار). با تشکر از برادرانی که تصدیق میکنند. من نمی‌خواهم برای تصدیق چیزی بگویم می‌خواهم با هم مسئله را تحلیل کنیم و می‌خواهیم بشناسیم و بفهمیم و این خط امام امروز وجود دارد.

در دیدار ما با برادران دانشجویی که در زمینه‌ی سمینار وحدت میان قشرهای دانشجویی و روحانی فعالیت و کار می‌کنند. یا در زمینه‌ی ایجاد وحدت میان قشرهای دانشجویی مسلمان، این مسئله مطرح شد. بنده گفتم که خط امام مشخصاتی دارد و این مشخصات اگر چه آنچه را که من می‌گویم ریز نیست، کلی است، اما با همه کلیت باز مشخص کننده است. خط امام در زمینه‌ی هدف این مبارزه، خط امام در زمینه‌ی موضع گیری این انقلاب، این مبارزه در برابر قدرتهای خط امام در زمینه‌ی سربازانی که این مبارزه و انقلاب را به پیش خواهند برد. اینها چیزهایی است مشخص و روشن. خط امام در زمینه کلی روش اقتصادی و حکومتی که بر مبنای این مبارزه بایستی تاسیس بشود، خط امام و موضع امام در زمینه عناصر و عوامل دست اندرکار این مبارزه: از قشرهای مختلف دانشجویان، روحانیون اصناف، کارگران و... اینها چیزهایی است که مبهم نیست روشن است. اینها را کنار هم بگذارید تدوین کنید، یک

ایدئولوژی است. یک طرح و برنامه است، هیچ ابهامی هم باقی نمی‌گذارد، روشن است که امام چه می‌خواست تاکنون بکند و چه می‌خواهد در آینده بکند.

آن کسانی که موادی از این خط را قبول ندارند بهانه گیری نکنند. همانی را که قبول ندارند رو کنند، و ما می‌دانیم کجاهاش را قبول ندارند.

آن آقایانی که در کسوت روشنفکری، فرهنگ پنجاه ساله گذشته را باز هم می‌خواهند نگهدارند و احیا کنند، ما میدانیم که از کجای این خط ناراضی اند. و آن کسی که در کسوت انقلابی می‌خواهد پس مانده‌های تجربه‌ی غلط در آمده‌ی قدرتهای شرقی را به اینجا بکشاند، ما می‌فهمیم از کجای این خط ناراضی است. چرا حرف دلشان را نمی‌زنند؟ چرا بی خود بهانه گیری می‌کنند؟ موضع امام و موضع این خط در قبال مسائل سیاست خارجی آشکار است. امام معتقد است به حمایت از همه مستضعفین، جبهه مستضعفین را امام اعلان کرد، بیشترین تکیه‌ی امام در اعلان جبهه‌ی مستضعفین، بر روی مستضعفین جهانی بود، مستضعفین ملل جهان، امام معتقد است به حمایت از فلسطین، به حمایت از مسلمانهای افغانستان، به حمایت از همه‌ی جنبشهای اسلامی در سراسر جهان، و امام معتقد است به حمایت از همه‌ی جنبشهای ضد

امپریالیستی ولو غیر اسلامی .
این نقطه‌ی روشن و خطر روشن امام است . این چیزی است که در ده‌ها پیام ، مصاحبه ، گفتار میتوانید ببینید و لمس کنید . این یک بند ، یک فصل از موضع گیری خط امام است در مقابل مسائل خارجی .

اما در فصل دیگر در زمینه‌ی ارتباط با قدرتها : امام مخالف است با سلطه‌ی هر قدرتی از قدرتهای جهانی ، چه غرب و چه شرق ، در سیاست ایران برای امام ، آمریکا اگر مطرح میشود و نامی از آمریکا آورده میشود بخاطر این آیه شریفه‌ی قرآن است که " قاتلوا الذین یلونکم من الکفار " آن کفاری که با شما روبرویند ، با شما نزدیکترند اول به آنها بپردازید اما براین معنی نیست که کمترین گرایشی به سیاستی که به ظاهر سیاست قطب رقیب آمریکا و در باطن سیاستی مشابه سیاست امریکا برای ماست یعنی سیاست شوروی ، بهیچوجه امام این فرمایشش ، این موضعش ، بمعنای جانبداری از این سیاست دیگر نیست . برای امام فرقی نمیکند .

البته توجه دارند برادران و خواهران که امام را به معنای یک نفر ، یک شخص در اینجا مطرح نمیکنم . بمعنای سمبل یک خط ، یک راه ، یک مبارزه مطرح میکنم ، با هر گونه ساخت و پاخت با قدرتمندان و قلدان و زورگویان مخالف

است . با هر عملی و هر منشی که بوی وابستگی بدهد مخالف است . او معتقد به ملت خود است ، یعنی معتقد به انسان است ، او معتقد به اراده است معتقد است که خون بر شمشیر پیروز میشود و انسانها خون دادند . او معتقد است که انسان برای پیروزی بر دشمنانش و برای فتح سنگرهای ناگشوده بیشتر محتاج اراده و تصمیم است تا محتاج تجهیزات جنگی و نظامی ، و همین جور عمل کرد ، و همین جور رفت و همین جور خواست و همین جور شد .

در زمینه‌ی سیاست‌های داخلی ، نقطه نظرهای امام روشن است ، بنده احساس میکنم ما احتیاج داریم باینکه این نقطه نظرها را بدانیم . اجازه بدهید یکی از این نقطه نظرها را مطرح کنم که مسئله‌ی روز من و شما است و البته بقیه نقطه نظرها را تا آنجائی که بشود ، وقت اجازه بدهد ، کم و بیش مطرح خواهیم کرد .

اولین نقطه نظر عبارت است از وحدت نیروها ، چه کسی میتواند منکر این موضوع باشد ؟ امام آن روزی که خطاب میکند : وحدت کلمه ، وحدت کلمه ، مسلم است که خطاب به یک گرایش خاص در جامعه نیست ، این که وحدت کلمه نشد . امام خطاب می‌کند به این امت و از او وحدت کلمه را میخواهد ، البته وحدت کلمه در زیر لوای اسلام ، و ایدئولوژی اسلام و

پرچم الله، یعنی ایدئولوژی بیشترین انسانها و تصمیم گیرندگان این جامعه و جز این وحدت معنی ندارد. بالاخره بایستی در یک نقاط اصولی، مشترک شد. وقتی این نقاط اصولی، میان دو گروه با هم ضدیت دارند، آن گروهی که بیشترین انسان را، بیشترین انگیزه را، بیشترین اراده را در خود دارد او مقدم است. چاره‌ای نداریم، وحدت کلمه میان گروههایی که مبنای ایدئولوژی اسلامی را قبول کردند. اما آنهایی که این مبنا را قبول نکردند، آنهایی که ایدئولوژی اسلامی را قبول ندارند (توطئه گرها را کار نداریم) آنها را هم دعوت می‌کنیم بوحدت کلمه. می‌گوئیم بیائید، شما چه می‌خواهید مگر آلمان شما رهائی نیست؟ رستگاری نیست؟ چه می‌گوئید امروز این ملت راه رستگاری خود را پیدا کرده، بیائید به ملت بییوندید، و طبق تعبیر و جمله‌ی جاودانه‌ی امام: "ای قطره‌ها به دریا پییوندید" به این جویبار عظیم به پییوندید آنها هم بیایند وحدت کلمه داشته باشند.

چه لزومی دارد که دشمنان با مشاهده‌ی یک گروهی که فقط ایدئولوژی‌اش با اکثریت این ملت مخالف است امیدوار بشوند که میان این ملت جای پائی دارند؟ چه لزومی دارد که با دشمن شاد بشویم؟ چه لزومی دارد که کاخ آرمانها و آرزوهای یک ملت را متزلزل کنیم؟ بخاطر اینکه حاضر نیستیم

از ایدئولوژی خودمان که بر خلاف ایدئولوژی اکثریت قاطع این ملت است دست برداریم پس وحدت کلمه مال آنها هم هست، آنها هم بیایند، آنها را رد نمی‌کنیم. نمی‌گوئیم بروید، اصول اسلامی و ضوابط اسلامی بما نمی‌گوید آن کسانی را که ایدئولوژی شما را نپذیرفتند، و با شما سر جنک ندارند رد کنید.

"لاینهیکم الله عن الذین لم یقاتلکم فی الدین و لم یخرجوکم عن دیارکم ان تبروهم و تقطوا الیهم .
خیانت نکنند، توطئه نکنند، با ماسک انقلاب و شعار انقلابی، ضدانقلابی عمل نکنند. در معرکه‌های دشمن پدید آورده و در آتش‌های دشمن افروخته آتش افروزی نکنند و شرکت نکنند، صادقانه بگویند ما ایدئولوژی این ملت را قبول نداریم، اما در کنار این ملت می‌جنگیم، ملت با آنها آشتی خواهد کرد.

برادران و خواهران، این را توجه داشته باشید هرگز با یک فرد معتقد به مارکسیسم بعنوان اینکه به مارکسیسم معتقد است ما الان نمی‌جنگیم، بجرم عقیده‌ی او، او را نمی‌گوییم عقیده‌ی او مال خودش. مخالفت ما با آن گروههایی که نام مارکسیست روی خودشان گذاشتند، بخاطر مارکسیست بودنشان نیست، اگر توطئه نکنند، اگر در معرکه‌ها و آتش‌های دشمن افروخته

شرکت نکنند، با آنها مخالفت نمی‌کنیم.

ما از اصول خودمان که بر نمی‌گردیم. ما پانزده سال است که داریم فریاد می‌زنیم. ما پانزده سال است که داریم اصول اسلامی را که ضامن آزادی‌های اندیشه و بیان و غیره هست بیان می‌کنیم و تکرار می‌کنیم. به این آسانی هم از اصولمان بر نمی‌گردیم، اینها همان اصولی هستند که این مبارزه در سایه‌ی آنها پیش رفت و به اینجا رسید. اینها مگر حرفی بود که بگوئیم و امروز از آن برگردیم؟ این‌ها عمق ایدئولوژی ماست، اینها جزء جان ماست، جزء بافت وجود ماست، صرف نظر کردنی نیست، الان هم می‌گوئیم: ما باصحاب ایدئولوژی‌های غیراسلامی بخاطر دارا بودن ایدئولوژی غیراسلامی هیچ جنگی نداریم. توطئه نکنند، در صف دشمنان ما قرار نگیرند، بطرف ما تیر پرتاب نکنند. ما هم به آنها تعرضی نخواهیم داشت. این صادقانه‌ترین و منصفانه‌ترین تعهدی است که یک ملت میتواند در مقابل جمعی که ایدئولوژی او را قبول ندارد، بگوید و بکند و قرآن ما هم این درس را داده امام ما هم بما این درس را داده، امام هم مکرر فریاد زده: آن کسانی که با نام مارکسیست مخالفت می‌کنند، صحنه سازی می‌کنند، آشوب بر پا می‌کنند، کارها را از روال معمولیش می‌اندازند، بحقیقت مارکسیست نیستند. مکرر امام این را

فرموده همانطور که کسانی که با نام دموکرات بر علیه این ملت و بر علیه آرمانهای این ملت دست به شمشیر بردند البته به هیچ وجه دموکرات نبودند. استفاده از نام‌های فریبی بیش نیست. استفاده از نامها و عنوانها و تیتراها آسانترین کارهاست. اما یک ملت میتواند فریبها را بشناسد و ادعاهای پوچ را تخطئه کند.

پس وحدت کلمه با این مرز وسیع مورد نظر است. و اما گروههای مسلمان: گروههای مسلمان همه باید در زیر یک پرچم و یک لوا در بیایند. اما مواظب باشند که از اصول دقیق اسلامی تخطی نکنند. اگر تخطی کردند، وحدت کلمه امکان پذیر نخواهد بود. ما دچار تنگ نظری نیستیم که یک مقدار مخالفت میان ایدئولوژی خود و ایدئولوژی مخاطب خود را موجب این بدانیم که با این مخاطب نمیشود حرف زد. ایدئولوژی چیزی است مواج کشار در زمینه‌ی ایدئولوژی صد در صد مثل هم اندیشیدن، شرط وحدت ایدئولوژی نیست. اما در اصول اساسی یکسان اندیشیدن شرط وحدت ایدئولوژی است. در اصول اساسی در موضع گیریهای اجتماعی و سیاسی، در هدف مبارزه باید یک جور فکر کنیم، یکجور ببینیم، اگر من و شما هدف را یکجور ببینیم چگونه همسفر خواهیم بود؟ چگونه بهم اطمینان خواهیم کرد؟ باید یکجور ببینیم. هیچ

اشکالی ندارد که در این جاده‌ای که داریم می‌رویم بنده از این حاشیه‌ی جاده بروم، شما از حاشیه‌ی دیگر لزومی ندارد پشت سر من بیایید. میتوانیم از دو حاشیه‌ی جاده حرکت کنیم اما بسوی یک مقصد، از یک راه، راه یکدیگر را قبول داشته باشیم. این شرط وحدت است. در مقابل توطئه‌گران شما چگونه عمل می‌کنید؟ مسلمان اگر از توطئه اغماض می‌کند، همسفر خوبی نیستی، همراه خوبی نیستی، در مقابل قدرتهای خارجی و سلطه‌گران شما چگونه تصمیم می‌گیرید؟ اگر حاضرید تسلیم یک سلطه و یک قدرت بشوید، شما هم‌رزم و همراه خوبی نیستید. اگر این ملت و این خط بسوی رهائی و رستگاری از همه‌ی سلطه‌های جهانی پیش می‌رود. چگونه میتوانی شما توی این خط باشی، اگر این رهائی و رستگاری را در اصول اساسی به این شکل قبول نداری؟

اسلام در نخستین و مشخص‌ترین بیانات و کلماتش انسان را به‌ذکر، یعنی یادالله دعوت میکند. قرآن در اولین سوره‌هایی که بر پیامبر فرود آمده است این سوره‌های پر حماسه این شلاقهای آتشین که بر دوش کرخ شده مرده و افسرده‌ی آن جسم‌های از حال رفته و در خواب، فرود می‌آمد و آنها را به یک شعله‌ی آتش بدل میکرد: در سوره‌های کوچک، از قیامت سخن گفته است، از بهشت و دوزخ حرف زده است،

آیا شما برادر مسلمان برآستی قبول می‌کنی، قبول داری که پس از رفتن از این جهان، نشئه‌ی دیگری و زندگی دیگری هست یا نه؟

اگر قرار است شما همه‌ی کلمات قرآن را در زمینه‌ی قیامت تعبیر دنیائی بکنی، و حاضر نباشی این را بپذیری که این جسم وقتی سرد و خاموش شد، زندگی تازه‌ئی و ولادت جدیدی را آغاز کرده، چطور میتوانی برادر من باشی؟ همراه و هم‌رزم من باشی؟ که من گلوله دشمن را استقبال می‌کنم به امید لبخند زدن آن زندگی جاودانه.

در اصول اساسی باید یکجور فکر کنیم و الا همراه نمی‌توانیم باشیم. آخر وحدت فرمایشی نیست وحدت فرمایشی پوشالی است. وحدت طبیعی است که پایدار و استوار است. این یکی از پیامهای امام، این یکی از نقاط اصولی خط امام است، که هی می‌گوئید خط امام و خط امام چیست؟ این خط امام است. وحدت کلمه یعنی اسیر فرقه‌گرائی نشویم، اسیر خود خواهی نشویم. من نگویم که چون شما بی اجازه‌ی من حرف زدی پس ما با هم قهریم و حرف تو غلط است. یعنی منصفانه و خدا بینانه و مومنانه، خود خواهی‌ها و غرورها را در راههای اصولی و اساسی در این مبارزه دخالت ندهیم، در قضاوت‌ها مان دخالت ندهیم، این معنای وحدت کلمه است.

یعنی انجمن فلان ، بصراف اینکه با کارگر دانائی بوجود آمده ، با کانون فلان بصراف اینکه با کارگردانان دیگری بوجود آمده خودرادو چیز ودوواحد ندانند . اسم هاتان جداست باشد ، از جدا بودن و دو بودن نامها نمی ترسیم ، از دوگونه بودن دلها می ترسیم ، اینها ما راجدا از هم نباید بکند . بزرگترین هنر این مبارزه این بود که از میان این محوطه ی وسیعی که با جدارها و دیوارهای نفوذ ناپذیر ، به مناطق کوچک تقسیم شده بود ، این دیوارها را برداشتیم ، این بزرگترین هنر این مبارزه بود . این دیوارهای قطور را از میان این خانه های کوچک و تنگ و تاریک برداشت یک صحنه ی وسیعی ، یک قلمرو دل باز بوجود آورد . ما از نو آمدیم باز دیوار می چینیم ، این فاجعه است . امام می گوید این کار را نکنید . وحدت کلمه یعنی خود را دور از تنگ نظری ها در موضع طرف مقابل قرار دادن ، و از نقطه نظر های او و از موضع او خود را نگرستن و عیوب خود را نیز دیدن ، و این خطاب به همه است و بدانید بدون رو در واسی و بدون مجامله و الله اگر شعار وحدت کلمه که امام در صدها پیام روی آن تکیه کرده در میان این ملت پیاده نشود ، این مبارزه شکست خورده است . بشما گفتم که امروز دشمنان شکست خورده و زخم دیده ی ما در صد

توطئه اند ، امروز رو شده ، بر ملا شده . نه بعنوان یک شعار واحساسات نه بعنوان یک حرفی که توی سخنرانی باید گفت ، بعنوان یک اطلاع ، سیاست های بزرگ غربی در صدد آنند که ما را در انزوا قرار بدهند . در صدد آنند ما و مردم ایران را در یک محاصره قرار بدهند ، قدرتهای مرتجع را بجان ما بیندازند . عملیات ایدائی شان را دامه بدهند . راه تنفس را بر ما ببندند .

آیا ما در مقابل این ضربات از بین خواهیم رفت ؟ آیا ملت ایران در برابر این توطئه ها شکست خواهد خورد ؟ جوابش چیست ؟ جوابش بسته به آن است که آن دینامیک که مبارزه و حرکت ما داشت را از دست بدهیم یا نگه داریم ، آن دینامیسم ، اسلام بود ، ایدئولوژی اسلام بود ، توده های و مردمی بودن مبارزه بود ، وحدت کلمه ی قشرها بود و درراس همه و پیشاپیش و همسان کننده ی این شرائط ، والائی رهبری است ، ما اگر اینها را داشته باشیم شکست نمی خوریم ، امروز دنیا بیش از آن دچار تضاد است که بتواند با ملتی که مصمم ، راه خود را شناخته است و تعقیب می کند و آنهم در این نقطه ی استراتژیکی بسیار خطیر جهان ، مبارزه را تا آنجا برساند . امروز دنیا عاجزتر از آن است که بتواند ۳۶ میلیون جمعیت را بیش از این با او لجبازی کند . اما عاجز از آن

نیست که این ملت را از صورت یک ملت خارج کند. در این عاجز نیست، این کار را می‌تواند بکند و اگر کرد، این ملت دیگر آن مشت مبارز فرو پیچیده نیست و همه کار را میشود با آن کرد.

جوانهائی که امسال آمدید دانشگاه دختر و پسری که امسال برای اولین بار دانشجو بودن را دارید احساس میکنید این را بشما می‌گویم! گروهکرائی نکنید. جذب گروهها و جمعیتها نشوید. شما مال ملت ایران باشید. اگر گروهها حاضر نیستند متعلق بملت ایران باشند و شما برادران و خواهران صدیق و مومن و مبارز در سطح دانشکده‌های مشهد کوشش کنید که این پیام‌امام را بدرستی بفهمید. چیز دشواری نیست، قابل فهم است، قابل لمس است، قابل عمل کردن است، میان دانشجو و قشرهای دیگر، میان روحانی و دانشجو و میان دانشجوها یکدیگر، آن تفاهم، آن همصدائی، آن هماهنگی، آن محبت، آن تبادل فکر، ضامن پیروزی این ملت است، این موضع مشخص، خط‌امام این است، همهی کسانی که یک دیوار دورشان می‌کشند، آن گوشه می‌ایستند، از خط امام بیرونند، یعنی صد در صد نمی‌توانند ادعا کنند که بر روی خط‌امامند، بدلیل همان دیوار، چون امام آن دیوارها را برداشت.

هیچ بهانه‌ای نمی‌تواند موجب بشود که ما این فضای وسیع و دل‌باز را قطعه قطعه و جب به جب تقسیم کنیم، این فاجعه‌است. و امروز شما هستید که باید بار تداوم این مبارزه را بر دوش بکشید، شما نسل جوان، نسل جوان دانشجو و نسل جوان روحانی، و امروز، این مجلس با عظمتش و با حضور قشرهای عظیمی از مردم و با حضور بسیار چشمگیر دو قشر دانشجو و روحانی که برادران روحانی ما، گویا در محوطه‌ی بیرون سالن حضور دارند، میتواند برای ما مبداء تحولی در جهت درست اندیشیدن باشد در این مسئله بزرگ، بهم نزدیکتر بشویم دست هم را صمیمانه تر بفشریم، از خود خواهی‌ها یکقدری خارج بشویم و آیات قرآن را یکجا قبول کنیم، با هم قبول کنیم، قرآن کریم بما دستور می‌دهد در مورد موضع گیری‌های اجتماعی، یکجا بامی‌گوید، و اعتصوا بحبل‌الله جمیعا "ولا تفرقوا. و تاکید میکند: و اذکروا نعمه‌الله علیکم اذکنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته‌اخوانا" و در جای دیگری می‌گوید: " و لاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم" و یک جای دیگر "انما ینهیکم‌الله عن الذین قاتلوکم فی الدین و اخرجوکم من دیارکم" آن کسانی که بجدنشسته‌اند تا با شما مبارزه کنند، تا گردونه مبارزه و انقلاب شما را متوقف کنند، هم پیمان نشوید، با آنها آشتی نکنید، با

آنها همدل نشوید. آیت‌الله منتظری، روحانی مترقی و مبارز دوران ما، دانشجویان و روحانیون را بتشکیل سمینار مشترک دعوت کرد و بسیار چیز جالب و خوبی است. اما سمینار مشترک وسیله‌ای برای اندیشه‌ی مشترک و راه مشترک است. هر یک از دو قشر ویژگیها و خصوصیاتِی دارند که در جای خود بسیار ممتاز و قدر دانستنی است. آنها را از همدیگر فرا بگیرند، خصوصیاتِی دارند که مخصوص خودشان است و در مقابل کمبود او را در طرف مقابل مشاهده میکنند، او را بطرف مقابل بدهند. سعی کنند اندیشه‌هایی را که در طول سالیان دراز، دست استعمار درزمینه‌ی شناخت قشرهای اجتماعی بما داده، تحمیل بر وضع جدید و نوین جامعه‌ی ما نکنند. دست استعمار در طول سالیان دراز معرفت‌های دروغ و غلط بما داد، و این معرفت‌های غلط جزئی‌وازه‌مان فرهنگ غلط توطئه‌گرانه‌ی استعمار است که قبلا بآن اشاره کردیم و گفتیم آزادی ما آن وقتی تامین خواهد شد که سلطه‌ی فرهنگی هم بدنبال سلطه‌ی اقتصادی از بین برود. باورهای غلط، تصورات غلط، تصور روحانی از دانشجو و دانشگاه، تصور دانشجو و دانشگاهی از روحانی، تصور هر دوی آنها از قشرهای متوسط تصوراتی غلط است البته این به میزان زیادی درست شده، تا حدود زیادی این قشرها بهم نزدیک شدند، و من

باید از آن برادرانی و خواهرانی که در جریانات ده ماه ونه ماه پیش در مشهد با ایجاد آن تحصن‌ها و جلسات مشترک، موجبات این نزدیکی‌ها را و آشنائی‌ها را هر چه بیشتر فراهم کردند بعنوان یک فرد، فردی که علاقمند باین مبارزه است صمیمانه تشکر کنم. و من فراموش نمی‌کنم آن جلسات گرم، آن گردهم‌آئی‌های با شکوه و پر معنی را که در دانشگاه مشهد تشکیل میشد. و برادران و خواهران، از گروه‌ها و قشرهای مختلف، کنار هم سخن واحدی را می‌شنیدند و قضاوت واحدی داشتند و حرکت واحدی داشتند و مبارزه می‌کردند. و دیدید که این مبارزه پیروز شد. اما آن مقدار وحدتی و هم‌سانی و همگامی که تا امروز بوجود آمده تجربه باید داشت که کافی نیست، این کم است. این را باید تکمیل کنیم. یعنی یک قدری بیشتر باید همدیگر را بشناسیم، یک قدری بیشتر باید درهم تامل کنیم و به دیده‌ی تعمق بنگریم. هنوز درست یکدیگر را نمی‌شناسیم. اگر درست قشرهای یکدیگر را می‌شناختند، زمینه برای شایعه پردازی بدخواهان و دشمنان پیش نمی‌آمد. و می‌بینید که چقدر زمینه‌سازی هست و چقدر شایعه پردازی هست. این برای خاطر این است که هنوز برادران هم‌رمز آنچنانکه باید، با یکدیگر آشنا نیستند. این تفاهم‌ها را بیشتر کنید. این آشنائی‌ها را بیشتر کنید. در زمینه‌ی مسائل

بسیاری سخن‌گفتنی است. فهرستی یکی از برادران در جلسه‌ای که داشتیم بعنوان سؤال برای روشن شدن خط‌امام مطرح کرد. قدم‌این بود که در پاسخ به آن سؤال‌ها امروز اینجا بحث کنم. در یکی دو نقطه امروز بیشتر نتوانستم بحث کنم و وقت تمام شده است. یک سری سؤال هم آمد. که این سؤال‌ها را بایستی جواب بدهم. پیشنهاد عملی من تکرار همان مطالبی است که برادر و استادمان آیت‌الله منتظری فرمودند. جلسات مشترک تشکیل بدهیم. جلسات با هدف، جلسات منضبط. در چارچوب خاصی بحث کنیم. مانعی ندارد، چارچوب بحث این جلسه مثلاً "اگر محدود است و احساس می‌کنید که اشباع نمی‌شوید بحث را تجدید کنید. اما چارچوب بحث‌ها را مشخص کنید تا بتوانید به نتیجه برسید. در مدرسه‌های علمیه، در دانشگاه، در مساجد دور هم جمع بشوید اجتماعتان را، گرد هم‌آئی‌های‌تان را که نشانه و وسیله‌ی وحدت واقعی و قلبی و فکری خواهد بود زیاد کنید. مادر برابرمان حوادثی که دشمن در برابر آن حوادث می‌تواند توطئه‌کند بسیار داریم. امروز همانطور که گفتیم هر لحظه‌ای از لحظات و حتی همین لحظه‌ای که ما داریم صحبت می‌کنیم درآینده از لحظات خاطره‌انگیز خواهد بود. از این لحظه‌ها با سانی، با سهل‌انگاری عبور نکنید. این لحظه‌ها

بسیار حساس و مهم است این لحظه‌ها را از دست ندهید. ما امروز در دوران انتقالیم، انتقال از یک فرهنگ عمیق ریشه‌داری در روح و جان مردم و در خلیقات و خصلت‌های مردم ما، فرهنگ طاغوتی، فرهنگ استعماری، فرهنگ دیکتاتوری و استبدادی، فرهنگ تبعیض، فرهنگ باور تبعیض، بسوی جامعه‌ای که در آن جامعه‌الله حکومت میکند، توحید حکومت میکند، تبعیض وجود ندارد تلاش و مبارزه بصورت مبارزه‌ی مثبت و بصورت مسابقه در خیرات خواهد بود. ما در حال انتقال از آن دوره به این دوره هستیم. البته به دستگاه‌های اجرائی موجود به چشم دستگاه‌های اجرائی ایده‌آل اسلامی نگاه نمی‌کنیم. این چیز واضحی است نه ادعا می‌کنیم و نه توقع داریم که کسی قبول کند و بپذیرد که دولت ما امروز یک دولت اسلامی است، یک دولت کامل اسلامی است، ادعا نمی‌کنیم و توقع نداریم کسی از ما بپذیرد که سیستم‌های حاکم بر جامعه‌ی ما سیستم‌های صد در صد اسلامی است. اعتراف داریم که این‌ها هیچ‌کدام بصورت کامل و ایده‌آل اسلامی نیست. و هنوز بسوی جامعه اسلامی و توحیدی راه بسیاری داریم. ما معتقدیم که در آن جهت و در آن خط داریم حرکت میکنیم و باید حرکت کنیم. کشمکش‌ها را هم میبینیم و احساس میکنیم، انگیزه‌ی مخالفت‌ها را هم خوب می‌فهمیم. و بالاتر

از همه و خطرناکتر از همه، تلقینات همان فرهنگ استعماری و سلطه طلبانه را هم مشاهده می‌کنیم، پس باید تلاش کنیم و پیش برویم. این سمینارها را تشکیل بدهیم، این جلسات بحث‌آزاد را تشکیل بدهیم، با بلند نظری و بزرگ منشی همچنانکه قرآن گفته است: "اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما" با آنچه که صد در صد بر طبق اندیشه‌ی ما نیست برخورد کنیم. در هر حال بیاد الله باشید، ذکر الله را فراموش نکنید. یعنی در یا دداشته باشید که ما در این مبارزه بسوی جامعه‌ی الهی و توحیدی داریم حرکت می‌کنیم. و معنویت اسلام و روح اسلام، ضامن پیروزی این مبارزه است. و بالاتر ضامن رستگاری انسان و انسانیت است. این را فراموش نکنید های و هوها، جنجالها، هوچیگریها، استفاده از تیترها و نام های درخشنده برای به خورد دادن غلط‌ترین حرف‌ها و اندیشه‌ها ما را دستپاچه نکند. خیال نکنیم که در مقابل هوچیگری باید هوچیگری کرد، این اشتباه است، خیال نکنیم در مقابل فریب و نیرنگ باید فریب و نیرنگ بکار برد. کار مثبت کنیم، کار سازنده کنیم، با قرآن، با حدیث، با احکام اسلام، با روشهای اسلام، با تاریخ اسلام بیشتر آشنا شویم. و بر روی سخنان حکمت آموز امام و رهبر این امت بیشتر مطالعه کنیم. آنها جهت دهنده‌ی ماست، آنها فلش

حرکت ما و مبارزه ما را مشخص میکند، اجازه می‌خواهم از برادران و خواهران که عرایض را پایان بدهم بعد از آنکه به این چند تا سئوالی که رسیده پاسخ داده باشم، سئوال زبانی نکنید، بنویسید... (تکبیر حضار). پاسخ بسوالات: ۱ - "گفتند تز امام مبارزه با ظلم، متکی بر قدرت توده، اما چیزی را که امام محور حرکت قرار داد اتکاء به الله بود و استفاده از قوه ایمان مردم. جواب مبارزه با ظلم، متکی بر قدرت توده، منافاتی با اتکال به الله ندارد. اینکه می‌گوئیم امام متکی بر قدرت مردم بود، معنایش این بود که با فرمان امام، با دعوت امام، توده‌ی مردم مثل یک اقیانوس به تلاطم آمد، به حرکت آمد، و این منافاتی ندارد که امام متکی به الله باشد امام حرکت توده‌ها را که وسیله ناکزیر به پیروزی این مبارزه بود، و اگر توده‌ها را امام با خودش همراه نکرده بود، این مبارزه به پیروزی نمی‌رسید و از حمله‌ی نشانه های لطف الله میدانند و همانطوریکه میدانید و شنیدید، خدای متعال هیچ کاری را در جامعه، در طبیعت در تاریخ با قطع نظر از اسباب طبیعی اش انجام نمی‌دهد. میتوان اتکال به الله داشت و از وسائل طبیعی استفاده کرد، و توده‌ی مردم و اراده‌ی مردم و همگامی مردم و وحدت کلمه‌ی مردم، یکی از همین وسائل است اگر وسائل

ناگزیر و ضروری نبود، اینقدر امام متکی به الله، بر روی اتحادنیروها و بر روی بسیج توده‌ی مردم تکیه نمی‌کرد.

۲ - "گفتید نهضت ما شبیه همه نهضت‌های آزادیخواه است، در حالیکه ماهمیشه میگوئیم نهضت ما شبیه به هیچیک از جنبشها نبوده مگر جنبش صدر اسلام توسط خود پیامبر".
جواب: این از همانجائیکه بنده با این برادرمان وحدت کلمه دارم و ادعای وحدت کلمه می‌کنم برای اینکه حرف ایشان با آنکه بنده گفتم با هم دو تا حرف نیست یک حرف است فقط لازم است دقت کنیم تا این حرفی را که علی الظاهر در - ذهن ایشان دو حرف فرو رفته است اینها را روشن کنیم که نخیر، یک حرف است.

نهضت ما شبیه به نهضت‌های دیگر نیست. معنایش این است که نهضت ما و جنبش اسلامی این ملت ویژگی‌هایی دارد که در انقلابها و جنبشها و حرکت‌های جهان وجود نداشته، اما این موجب نمیشود که در بعضی ویژگیها شبیه آنها نباشد، البته نمی‌دانم من در چه مقامی گفتم شبیه جنبشهای دیگر. اما بهر حال وجوه مشترکی دارد. و جنبش ما، با جنبش صدر اسلام شباهت‌های بسیار مهمی دارد. اما بهر حال وجوه افتراقی هم دارد. پس اینکه شما فرمودید: (برادریاخواهری که نوشتند) جنبش ما شبیه صدر اسلام است بله من این را

قبول دارم. اما این موجب نمیشود که شباهت‌های و وجوه مشترکی هم با جنبشهای دیگر نداشته باشد.

۳ - "فرمودید آنها که خیانت می‌کنند مارکسیست واقعی نیستند. در حالیکه بر عکس آنها بر طبق ایدئولوژی شان عمل می‌کنند، که انقلاب را فقط بعد از جنگ مسلحانه می‌پذیرند.

و در نتیجه، این انقلاب را قبول ندارند، و منتظر یک انقلاب کارگری می‌باشند، هر چند که خیالی بس باطل باشد. آنها که ظاهراً "مارکسیست هستند ولی توطئه نمی‌کنند، آنها آزادیخواه واقعی می‌باشند و نه مارکسیست واقعی.

جواب: این جمله آخرشان همانی است که می‌گفتم. بنده هم منظورم جمله‌ی آخرشان بود. آن کسانی که مبارزه می‌کنند. ما گفتیم که ما بخاطر اندیشه‌ی کسی با او مبارزه نمی‌کنیم اما اگر آن اندیشه، پوشش یک خیانت باشد، یا آن اندیشه کسی را در مقابل ما و رویاروی ما و سینه بسینه‌ی ما قرار دارد، خوب طبیعی است که ما جنگ را نمی‌توانیم با زبان خوش پاسخ بدهیم، توطئه را نمی‌توانیم با سکوت پاسخ بدهیم، این خیلی چیز روشنی است. بنابراین فکر می‌کنم این برادرمان بی خود فکر کرده بودند که اشکال بر من است. نه من با هر

سه فرمایش ایشان موافقم .

۴ - " از نظر اسلام و جناب عالی ، ترورها و اعدامهای عناصر پاک و یا ناپاک در شرائط و وضعیت کنونی که بدست گروهها و اشخاص ناشناخته انجام میگردد ، چگونه توجیه میشود؟ "

جواب : عقیده‌ی بنده این است که ترور در وضع کنونی ما محکوم است . یکی از وسائل پیروزی دشمن بر انقلاب ما ترور است . و فرقی نمی‌کند که این ترور ، ترور عناصر پاک باشد یا ترور عناصر ناپاک ، زیرا که عناصر ناپاک را باید محاکمه کرد بعد از اینکه جرم آنها شناخته شد مجازات بایسته و شایسته کرد ، و نه ترور ، ترور بمعنای اختناق است ، بمعنای خفقان است ، بمعنای حکومت زور است ، بمعنای اتکاء به زور شخصی است ، بمعنای آنارشیسم است و ترور از نظر من محکوم است . و از نظر اسلام ترور با این صورت محکوم است . بنابراین پاسخ به این سؤال این است که ترورهای عناصر پاک یا ناپاک قابل توجیه نیست .

۵ - " چون میدانیم بعضی از این گروهها را روحانیون مترقی تایید کرده‌اند آیا ممکن نیست که پیشنهاد بحث آزاد با سران گروه شود تا این موضع گیری یا اختلافات جزئی روشن شود . "

جواب : خوشبختانه چرا من پیشنهاد بحث آزاد هم کردم .

۶ - شما در گفتار تان فرمودید که آنهائیکه بعنوان حزب دموکرات توطئه کردند دموکرات واقعی نبودند در صورتیکه امام حزب دموکرات را حزب شیطان نامیده و آنرا غیرقانونی اعلام کرده . (ببینید که چقدر سؤالها بر اثر گوش ندادن است) اگر آن نهاد دموکرات نبودند پس چرا باید حزب دموکرات منحل شود؟

جواب : برای توضیح این برادر و خواهر عزیزمان باید بگویم که دموکرات یعنی طرفدار دموکراسی ، و دموکرات واقعی امام خمینی است . اما اینها از نام دموکرات هم مثل بسیار نامهای شناخته شده و محبوب و منطقی و خوش ظاهر سوء استفاده می‌کنند . دشمن ها که نمی‌کوبند ما طرفدار آنارشیسم هستیم . نمی‌کوبند که ما طرفدار دخالت سلطه‌های خارجی هستیم . آنها که اقرار و اعتراف نمی‌کنند که بر ضد ملت ایران و بر ضد منافع مستضعفین ایران می‌خواهند اقدام کنند . لابد یک چهره انقلابی ، یک چهره‌ی دموکراسی بایستی بخودشان بکیرند و از این نام هم استفاده کنند . بنابراین امام که حزب دموکرات را منحل کردند زیرا دموکرات دروغین بودند . بنده هم به عنوان پیرو امام ، آنها را منحل شده می‌دانم ، و آنها

را محکوم شده می دانم اما دموکراسی چیز خوبی است و دموکرات یعنی طرفدار دموکراسی .

۷- در اسلام لباس و شکل و شخص مطرح نیست همگی یکسانند " ان اکرمکم عند الله اتقیکم " ، چرا همگی افراد ضد انقلاب و مجرم در دادگاههای انقلاب بایستی دادگاهی شوند ولی روحانیون در دادگاه ویژه ، آنهم مستند به عفو امام فقط به خلع لباس منتهی میشود و هشت سال زندان مهاجرانی بخشیده میشود . و تازه دیروز هم در رادیو اعلام میکنند که ما بهتر روحانیون را می شناسیم چرا برای کوبیدن مارکسیستها از ساواکیها استفاده میشود اگر چه مجرم باشند ؟ بعنوان مثال بررسی داروهای صادره شده از حماد شیبانی رادکتر شیخ الاسلام زادهی رها شده از اعدام دادگاههای انقلاب (ویجه دلیل معلوم نیست) باید بررسی کند و آیا انعکاس جهانی این کار ، این نیست که انقلابیون چپ را در ایران با عناصر رژیم قبل سرکوب می کنند ؟

جواب : دو سؤال است که یکاش می توانستم درباره هر یک از اینها مفصل صحبت کنم . اما در پاسخ سؤال اول که چرا روحانیون در دادگاههای ویژه محاکمه میشوند . باید عرض کنم روحانیون مجرم ترینشان آن کسانی که بمعنای واقعی کلمه یک عمل ضد انقلابی که در عرف دادگاههای انقلاب جرم

محسوب می شود ، مرتکب شده بودند در دادگاههای غیرویژه محاکمه شدند و حتی اعدام شدند . در خود مشهد و در جاهای دیگر شما روحانی اعدامی داشتید . در خود مشهد و در جاهای دیگر روحانی زندانی طویل المده داشتید و دارید . و اما آمدیم بدادگاه ویژه (من از دادگاه ویژهی روحانیون حمایت نمی کنم من هم دوست می داشتم که روحانیون هم در دادگاه های انقلابی دیگر محاکمه بشوند . اما از احکام این دادگاه نسبت به روحانیون تا آنجا نیکه من اطلاع دارم حمایت می کنم) شما آن روحانی را که مثلا " مثل نوغانی مشهد هست . فکر کنید که اگر توی یک دادگاه بیاید حکمش چه خواهد بود . خیلی واضح و روشن است . (البته بنده عوض رئیس آن دادگاه فرضی نمی توانم حکم کنم اما می دانم مجازات سختی در انتظار او است ، چرا ، چون خیانت او یک خیانت واضح و آشکاری - است) و اما مثلا " پول از اوقاف گرفتن ، یکی از جرائم روحانیونی است که در دادگاهها بودند و احیانا " پول از ساواک گرفتن ، یا گزارش به ساواک دادن ، از جرائمی است که روحانیونی که تا حالا محاکمه شدند در پرونده شان بوده ، احیانا " معتقد به انقلاب اسلامی ایران نبوده و علیه او سخن گفتن ، یکی از جرائمی که روحانیون بخاطر آن محاکمه میشوند . این سه تا جرم را شما در پرونده های غیر روحانیون مطالعه کنید ،

مجازاتهایش را ببینید چیست؟ در دانشگاه استادی یا آن دانشجویی که با ساواک ارتباط داشت یا از ساواک پول می گرفت چکارش کردند؟...

بنده هیچ تعصبی هم ندارم خود این برادر هم میداند که بنده هیچگونه تعصبی نسبت به لباس روحانیون ندارم شاید خیلی از شماها که بنده را می شناسید این را می دانید . اما همین جرائم : پول گرفتن از اوقاف ، اوقاف رژیم گذشته یا ارتباط با ساواک بصورت یک ارتباط فرد غیر عضو ، نه یک شکنجه گر ، نه یک باز جو ، نه کسی که سعی می کند برای دستگاه ساواک از من و جنابعالی متهم اعتراف بگیرد ، نه ! یک نفری که طرفدار ساواک است ، سمپات ساواک است ، گاهی برای ساواک یک خبری می آورد ، کسانی که در لباس شما بودند یعنی طبیب بودند یا دانشجو بودند یا دانشگاهی بودند استاد بودند ، یا کاسب بودند و این لباس نشان نبود با این مجرمها چه کردید ؟ چه مجازاتی به آنان دادید بگوئید ببینم ؟ .. این برادر می گویند ، اخراج کردیم . شما می دانید اگر دادگاه هم بود بیش از این نمی کرد . شما که میدانید بنده به هیچوجه دفاع نمی خواهم بکنم . اتفاقاً " من از خیلی از آقایان و خانمها که اینجانشنستند شاید کمتر دفاع می کنم . خود کسانی که بنده را می شناسند در طول این سالها میدانند

بنده تعصب ندارم ، من حرف می زنم من روی مسئله میاندیشم . در دادگاهها کمترین جرمی که روحانیون دارند خلع لباس بود می دانید یعنی چه ؟ یعنی خلع حیثیت ! تمام شد . فقط بمعنای بریدن نان نبود ، یک آخوند را وقتی عمامه اش را برداشتند و قبایش را کردند ، یعنی همه چیز او را از او گرفتند ، حیثیت او ، اعتبار او ، نان او ، آبروی او ، توی خانواده اش ، آبروی او در جامعه ، امکان عمل بعد از این او این غیر این است که یک اداری را از اداره اش بیرون کنند . چرا ، چون آن اداری با حیثیتی زندگی نمی کرد ، با کارش زندگی می کرد . با حیثیتش زندگی می کند . پس حیثیت او را از او گرفتید چیزی کمتر از گرفتن جان اوست چرا به این نکته توجه نمی کنید ؟ آنکسی که خلع لباس کرد ، آنکسی که خلع لباس را جزء دادگاههای روحانیون قرار داد ، خوب فهمید که چکار دارد می کند . آقای مومن هم که از قم میگوید که ما روحانیون را بهتر می شناسیم این را می خواهد بگوید آنمرد خودش یک فرد انقلابی است بنده او را می شناسم . او این را دارد می گوید . رژیم قبلی خیلی خوب می فهمید که من آخوند را وقتی زندان می برند ، همینکه عمامه ام را از سرم برداشتند همه چیز را کویا از من گرفته اند . یا ریش من را تراشیدند . در یکی از دفعات ریش بنده را ماشین می کردند ،

بازجوها آنچنان با دقت و وسواس و کنجکاوی نگاه می‌کردند به‌بینند من چه حالی دارم، آیا گریه خواهم کرد. آیا خودم را خواهم زد. البته آن وقت ما انگیزه داشتیم مقاومت می‌کردیم ما می‌گفتیم اگر ما را بکشند آخ هم نمی‌گوئیم حرف ما این بود پیدا بود که برای چهارتا موهم آخ نمی‌گفتم. اما آنها می‌دانستند چکار دارند می‌کنند. از آخوند حیثیتش را که گرفتند یعنی همه چیزش را گرفتند یعنی شاه‌رگ حیاتش را زدند. و این بزرگترین مجازات است تازه برای چه؟ برای اینکه ایشان از اوقاف پول گرفتند. برای اینکه ایشان صحبت امام در حضورشان شده گفته‌است من ایشان را قبول ندارم. بنده فلان آیت الله را ترویج می‌کنم. بنده این‌آقا را قبول ندارم. بشما بگویم در میان قشرهای مختلف، از اندیشه‌ی مرتجعانه بگذرید از منش غیر انقلابی بگذرید، که اینها را من و شما زبان هم را خوب می‌فهمیم، از لحاظ عمل در جهت ضد انقلاب، کمترین نفرا قشر روحانی دارد. درصدش را بسنجید، حساب کنید. این خیل طلاب دینیه‌اند، چند تا توی اینها ساواکی پیدا کردیم؟ توی دانشگاه را هم نگاه کنید! چرا ما اینها را نبینیم؟ درست گفت دکتر شریعتی که گفت دیرپذیرترین سنگر و استوارترین سنگر در برابر دستگاهها اینها بودند. اولش هم که انقلاب من و شما را قبول نداشت شاه را هم

قبول نداشت، همان روحانی که من و تو او را مرتجع می‌دانستیم و عملاً در جهت انقلاب ما نبود، او در جهت حکومت هم حاضر نبود حرف بزند شاه را هم غاصب میدانست. پولش را هم پول غصبی می‌دانست. اداره‌اش را هم زمین غصبی می‌دانست توی اینجائی که من و شما راحت نمازی خواندیم و نماز نمی‌خواند، می‌گفت دست دولت است اینجا و این دولت غاصب است. این فرهنگی بود که حاکم بر ذهن روحانیت بود. ما اینها را چرا نبینیم؟ این درباره‌ی سؤال اول، درباره سؤال دوم:

چرا برای کوبیدن مارکسیستها از ساواکیها استفاده میشود؟ کی استفاده می‌کند؟ هر که استفاده می‌کند بسیار بدکاری می‌کند؟ کدام ساواکی است که جرات می‌کند ظاهر بشود تا کسی که مسئولیتی دارد برای کوبیدن کمونیست از او استفاده بکند؟ اگر چنین کاری میشود بسیار بد است. و من بینی و بین الله اطلاعی ندارم از اینکه اینچنین کاری بشود. البته شنیدم بعضی از گروهها برای خاطر اینکه دستگاههای اجرائی را بیش از آنکه شایسته‌ی کوبیدن هستند می‌کوبند، این حرف را می‌گویند، اما بینی و بین الله بنده اطلاعی ندارم و من و شما خوب باید بدانیم برادر عزیز و خواهر عزیز که "ولا تقف ما لیس لک به علم، ان السمع و

البصر و الفؤء ادکل اولئک ان کان عنه مسؤلوا اگرچه مجرم باشند بعنوان مثال: داروهای مصادره شده از حماد شیبانی را دکتر شیخ الاسلامی زاده‌ی رها شده از اعدام دادگاههای انقلاب باید بررسی کند. داروهائی از حماد شیبانی عضو چریکهای فدائی خلق که در زندان بود مصادره شد (که من البته اطلاعی ندارم که چیست؟ لابد داروهائی بوده که توی چمدانش بوده در کنار سلاحهائی که داشته و گذرنامه و مهرهای جعلی) سوال کننده: بگردستان می خواسته بفرستد برای ضد انقلاب (پس آقای حماد شیبانی داروهائی میخواست بفرستد مثلا " برای آقای قاسملو و جبهه‌ی قاسملو، اینها را در فرودگاه مصادره کردند و دادند به دکتر شیخ الاسلام زاده که بررسی کند یعنی چه بررسی کند؟

سؤال کننده: تشخیص اینکه بچه درد می خورد... این بنظر شما اشکال دارد؟ اگر شیخ الاسلام زاده متهم توی زندان که زیر اعدام است، یا زیر ابد است، آنجا هم نشسته مفت می خورد، و میخوابد، بیاید و چهار تاشیشه دوا را بگوید، این فلان ویتامین، فلان دواست این بنظر شما اینقدر جرم است؟

انعکاس جهانی اش این است که از یک متهم استفاده کردند مثل اینکه از جناب عالی در زندان مشهد برای درمان

بنده استفاده می کردند. سؤال کننده: عکس می گرفتند و پخش می کردند. پس اشکال شما به عکس است بنده هم می گویم چرا عکس می گرفتند؟ اصل عمل پس اشکالی نداشته برای اینکه این کار در زندان، عادی است. شیخ الاسلام زاده مفت میخورد، میخوابد توی دادگاهها البته دلهره‌ی اعدام یا ابد هم دارد. یک مقدار دارو هم از یک زندانی دیگر آوردند جلوی این گذاشتند گفتند مردکه اینها چیه؟ (خنده حضار) یا آقا اینها چیه؟ او هم گفته است، این فلان دواست، فلان داروست، فلان قرص است... تا اینجاش بنظر من و گمانم بنظر شما هم عیبی ندارد.

اما عکس برداشتن آیا این عیب دارد یا نه؟ بلی، عکس برداشتن و منعکس کردن این، برای همین است که شما حالا دارید روی این تکیه می کنید. برای این است که نشان بدهند به کسانی که این عکس را می بینند ای مردم از ساواکی استفاده میشود، برای رسیدگی بکار کمونیست در ایران یعنی انقلاب ایران با ساواکی می سازد و با کمونیست نمی سازد. میخواهند این را منعکس کنند با این عکس. اما این عکس را کی برداشته و کی منتشر کرده؟ فراموش نکنید که این عکس را اطلاعات منتشر می کند. و آنروز در دستگاه اطلاعات ما اطمینان نداریم که عناصر بدخواه و مخرب نبوده اند. ما

اطمینان نداریم همان کسانی که ماجرای حماد شیبانی را به ناحق بزرگ جلوه دادند و به ناحق او را آزاد کردند، همان دستها کوشش نکنند که قضیه را با این شکل جلوه بدهند که شما برادر عزیز من این را بعنوان یک سؤال مطرح کنید، بنابراین این برداشتن آن عکس جرم است. من هم با شما هم عقیده‌ام، و این جرم را آن کسانی برتکب شده‌اند که مثل حماد شیبانی و مثل دکتر شیخ الاسلام زاده با انقلاب اسلامی ایران مخالفند.

پایان

